

# مقالات

شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها

(با تأکید بر تقویت علوم انسانی و جنبش تولید علم)

دکتر بهرام اخوان کاظمی\*

### چکیده:

تا قبل از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، شکل‌گیری نظام آموزشی به ویژه آموزش عالی؛ در راستای وابستگی فکری و فرهنگی نخبگان و اندیشمندان این سرزمین بوده است. لذا طرح ایده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها بعد از انقلاب اسلامی، با هدف آفت‌زدایی از مراکز آموزش عالی و استفاده‌ی بهینه از این نهاد علمی با اهداف انسانی و اسلامی صورت گرفته است.

نویسنده در این مقاله تلاش نموده تا با تبیین برخی قرائت‌های مختلف از موضوع اسلامی شدن و اسلامی نمودن دانشگاه‌ها؛ به پاره‌ای موانع این راه نیز اشاره کند و سپس راهکارهای رفع این موانع را توضیح دهد و تشریح نماید.

در این مسیر به ناچار پیشینه و سابقه‌ی موضوع و اشارات و تنبیهات حضرت امام خمینی (ره) درباره‌ی ویژگی‌های دانشگاه اسلامی تذکر داده شده، آن گاه قرائت‌های ناصواب از موضوع اسلامی کردن دانشگاه بر شمرده شده است و پس

\* . استادیار و معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

از تشریح موانع راهکارهای اسلامی کردن دانشگاه؛ به ارائه‌ی راه‌حل، با تأکید بر اعمال سیاست شایسته‌ی سالی و تقویت علوم انسانی و جنبش تولید علم و حل مشکلات معیشتی اساتید، بر تحکیم و ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تضعیف ارزش‌های منحط غربی در دانشگاه، سفارش و تأکید شده است.

### واژگان کلیدی:

دانشگاه، فرهنگ و تمدن اسلامی؛ دانشگاه اسلامی؛ انقلاب اسلامی؛ امام خمینی و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی؛ ارتقاء کیفیت مراکز آموزش عالی؛ شایسته‌سالی و نخبه‌گزینی و...

### مقدمه

ارمغان جاودانه‌ای که اسلام به همراه مواهب دیگر برای بشریت آورد و برای همیشه او را مدیون مزاحم خویش قرار داد، همان فرهنگ و تمدن انسانی جامع الاطراف و دانش‌پروری ست که همواره جهان انسانیت از ثمرات آن بهره‌مند است.

شور و شوقی که دانشمندان اسلامی در راه کسب و اعتلای کامل دانش بشری، در پرتو تعالیم و تأکیدات قرآنی و آئینی خویش، به خرج داده‌اند، به سرعت آنان را با امور و مسایل دیگری که تفکر و عقل و تدبّر را ایجاب می‌کرد، متوجه ساخت و مجال آن را پدید آورد که آنها با استقلال نظر و خودباوری، از حدود متعارف دانش وقت بشری، پای فراتر نهند. دانشمندان تمدن اسلامی، عناصر پراکنده‌ی فرهنگی دنیای موجود را پس از به‌گزینی؛ جذب و ذخیره کردند و با ساماندهی به آنها؛ یک نظام فکری و فرهنگی پویا و زاینده را به وجود آوردند. آنان معلومات جدید را بارها باز تولید کرده و به صورت کامل‌تری به صورت معارف بشری به سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تحویل دادند. بدین ترتیب

اندیشمندان اسلامی، علوم موجود در تمدن‌های مختلف را در صورت و شکل خاص خود به میراث بردند و ضمن نقادی و باز تولید آن‌ها، جوهر تازه و بی‌سابقه‌ای را پدید آوردند. لذا تمدن و فرهنگ و جامعه‌ی اسلامی به صورت مرکز و دانشگاهی بزرگ درآمد که در آن سنت‌های مختلف و متخالف فکری، در صورتی تازه و آزادانه به حیات خود ادامه داد. اروپائیان و شرق‌شناسان بعضاً معتقدند که اسلام فقط حکم رابطنی بین اندیشه‌های باستانی یونان و آراء و علوم اروپای قرون وسطا را داشته است. در حالی که چنین نبود و دانش‌هایی با ویژگی‌های خاص در فرهنگ اسلامی ظهور کرد که به کلی بی‌سابقه و منحصر به فرد بود.

از سویی حقیقتی که جای هیچ‌گونه تردید و انکاری ندارد و همه بدان معترفند، این است که ایرانیان و دانشمندان ایرانی بیش از هر ملت دیگری به نشر اسلام و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی و ارتقاء علوم در بستر آن کمک کرده‌اند و در واقع روح و عقل و خرد ایرانی یکی از اصلی‌ترین خمیرمایه‌های تمدن و فرهنگ اسلامی و از عناصر اصلی پیشرفت‌های چشمگیر آن - حداقل در قرون اول ظهور و رواج اسلام - بوده و بذر این فرهنگ و روحیه‌ی دانش‌پروری آن، در قلب و جان ایرانی بهتر شکوفا گردیده است و بدین خاطر هم می‌توان انتظار داشت که بار دیگر، اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی به دست ایرانیان محقق شود. تکیه بر علم و دانش‌اندوزی آن هم با صبغه‌ی الهی و دینی، از تواناترین ابزارهای نیل به این آرمان والا است و دانشگاه اسلامی در کنار حوزه‌های علمیه، دو ستون مستحکمی هستند که می‌باید با تحصیل و به خدمت گرفتن علوم مختلف، بنای رفیع حیات طیبه‌ی اسلامی را نظریه‌پردازی و سپس محقق

نمایند. (۱)

متأسفانه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در نظام‌های حکومتی پیشین ایران، شکل‌گیری نظام آموزشی کشور - و به ویژه نهاد آموزش عالی - بیشتر در راستای پیاده شدن استعمار جدید در این سرزمین، و با هدف ایجاد وابستگی فکری و فرهنگی به بیگانگان - به ویژه در میان نخبگان و فرهیختگان - بوده است. لذا با وجود گذشت سالیان متمادی از عمر دانشگاه‌ها، حرکتی مستمر و پایا در جهت خودکفایی صورت نگرفت و کشور روز به روز به بیگانگان و استعمارگران وابسته و وابسته‌تر شده بود و از رشد نیروهای سالم، کارآمد و کادر علمی مستقل و خودکفا در دانشگاه‌ها نیز ممانعت به عمل می‌آمد و در عین حال، نیروهای متعهد و توانمند تربیت شده در این میان نیز، کمتر مجال مناسبی برای ارائه‌ی تخصص خویش در جهت خدمت به منافع کشور می‌یافتند. طرح ایده‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها از بعد از انقلاب اسلامی، در حقیقت با هدف آفت‌زدایی از این مراکز و استفاده‌ی بهینه از توان این معاهد‌های علمی برای تحقق اهداف بلند انسانی و اسلامی صورت گرفته است. نوشتار حاضر سعی دارد با تبیین پاره‌ای قرائت‌های مختلف از موضوع اسلامی کردن دانشگاه‌ها، به پاره‌ای موانع در این زمینه و ارائه‌ی راهکارهای رفع آن‌ها بپردازد.

بهره‌ی اول؛ انقلاب اسلامی، رهبری امام خمینی (ره) و موضوع اسلامی

### کردن دانشگاه‌ها

پیروزی انقلاب اسلامی از کم نظیرترین حرکات در طول تاریخ معاصر

۱. برای اطلاع بیشتر از نقش ویژه و اساسی دانشگاه در اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی ر.ک به؛ بهرام اخوان کاظمی، «زمینه‌ها و راهبردهای شکوفایی و اعتلای تمدن و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، آذر ۱۳۷۸، ص ۳۸ - ۱۲.

است. بزرگترین دستاورد این جنبش اسلامی، تلاش در جهت حاکمیت بخشی به اسلام و تحقق حیات طیبه‌ی اسلامی در سطح جامعه بوده است. امام خمینی (ره) - به عنوان معمار و نظریه‌پرداز بزرگ این انقلاب - بر این باور بود که: «حکومت نشان دهنده‌ی جنبه‌ی عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است... و هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه‌ی ترس استکبار از همین مسأله است که فقه و اجتهاد جنبه‌ی عینی و عملی پیدا کند»<sup>(۱)</sup>. بدیهی است که حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها تواناترین ابزارها و استوانه‌هایی هستند که با اتکاء به آن‌ها می‌توان فقه و اجتهاد اسلامی را جنبه‌ی عینی و عملی بخشید. این کاملاً مبرهن است که دانشگاه - اعم از معلم و متعلم - به عنوان بخش اساسی از قوه‌ی عاقله‌ی اداره و مدیریت جامعه‌ی اسلامی، می‌بایستی با اسلام آشنا بوده و با این شریعت الهی مؤانست و پیوندهای محکم داشته باشد. بدیهی است اگر حوزه و دانشگاه از اسلام بیگانه باشند و یا اسلامی بودن آن‌ها تنها جنبه‌ی ظاهری داشته باشد، انتظام درونی نظام اسلامی مختل شده و حکومت، کارایی لازم را در برخورد با معضلات داخلی و خارجی و عبور از پیچ و خم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی نخواهد داشت. پس ضروری است که دانشگاه‌ها، همانند حوزه‌های علمیه، با سرچشمه‌ی زلال معارف اسلامی آشنا بوده و در جهت حل معضلات جامعه‌ی اسلامی، مستمراً از آن سیراب شود.

تلاش در جهت اسلامی کردن علوم چیز تازه‌ای نیست، بلکه از عمر آن چند دهه می‌گذرد. در این راستا و در کنار اصطلاح اسلامی کردن معرفت، که از همه‌ی

تعبیر دیگر قدیمی تر است، اصطلاحات دیگری مانند بازسازی اسلامی علوم اجتماعی، بازسازی علوم اجتماعی از دیدگاه اسلام، تبیین اسلامی علوم اجتماعی، بنیان نهادن علوم اجتماعی به روش اسلامی، تأسیس علوم اجتماعی بر پایه‌ی اصول اسلامی، اسلامی سازی علوم، بازبینی علم از منظر اسلامی و... پدید آمده و مطرح شده‌اند.<sup>(۱)</sup> امام خمینی (ره) نیز از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با عنایت به نقش تعیین کننده‌ی دانشگاه‌ها در سرنوشت کشور، شکل‌گیری و فعالیت نهاد آموزش عالی را، از بدو تأسیس به نظاره نشسته، و بر ابعاد اثرگذاری دانشگاه در مقدرات کشور و قوف کامل داشته‌اند. ایشان دانشگاه پیراسته از آثار منفی و آراسته به استقلال، خودکفایی، آزادگی و دیانت را دانشگاه اسلامی و ملی، خوانده و نقطه‌ی مقابل چنین دانشگاهی را نیز «دانشگاه استعماری» نامیده‌اند.

برخی از محققین معاصر، برحسب تحلیل محتوای بیانات و آثار امام خمینی و با ذکر مستندات لازم، ویژگی‌های «دانشگاه اسلامی» را در نگاه ایشان چنین برشمرده‌اند:<sup>(۲)</sup>

- ۱- استقلال و عدم وابستگی فکری به قدرت‌های استعمارگر.
- ۲- توجه به تهذیب نفس و خودسازی معنوی.
- ۳- اهمیت دادن به علم و تخصص در رشته‌های موردنیاز کشور و اتکا به منابع داخلی.
- ۴- حرکت در جهت خودکفایی، خوداتکایی و حمایت مادی و معنوی از

---

۱. برای اطلاع بیشتر، رک، به؛ علی دژاکام، «برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی»، دانشگاه اسلامی، شماره‌ی هفدهم، بهار ۱۳۸۲، ص ۵۳ و ۵۶.

۲. رک، به؛ محمد داوری، علی سلیمی، «نظام آموزش عالی، دانشگاه اسلامی و امام خمینی»، دانشگاه اسلامی، شماره‌ی یازدهم، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۰۹ - ۱۰۵.



اختراع و ابتکار.

۵- توجه جدی به حفظ روحیه و آگاهی سیاسی و انقلابی، در عین پرهیز از اختلافات جناحی.

۶- وحدت حوزه و دانشگاه و ارتباط مستمر و تنگاتنگ دانشگاهیان و روحانیان.

۷- فراهم ساختن محیط آرام و آزاد برای تحصیل علم و تحقیقات علمی.

۸- استفاده از اساتید و مدیران کارآمد، مهذب، عالم، متعهد و دارای استقلال فکری و...

۹- کسب ویژگی‌های لازم توسط دانشجویان از جمله تعهد در یادگیری صحیح علم و اخلاق، خودباوری، سعی و جدیت در رشد همه جانبه‌ی علمی، دلسوزی و اصلاح‌طلبی، حفظ نظم و انضباط، تلاش در جهت کسب معرفت صحیح دینی، حمایت از انقلاب و اسلام، داشتن نشاط سیاسی و علمی.

۱۰- ایجاد و تقویت تشکل‌های سالم دانشجویی در جهت ترویج فرهنگ اسلامی.

۱۱- غنای متون درسی و پیراستگی محتوای آن از القائات استعماری.

با بهره‌گیری از این رهنمودها و سایر دیدگاه‌ها به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که تفکر اسلامی کردن دانشگاه‌ها در حقیقت حاکی از دمیدن روح معنویت، تحصیل و تعلیم نیت‌مندانه و در مسیر عبودیت الهی به پیکره‌ی نظام آموزش عالی کشور است. این تفکر و ایده؛ بر نشاط، اجتهاد، جدیت، نظام‌سازی و نظریه‌پردازی علمی - و به ویژه با صبغه‌ی اسلامی - در راستای کسب رضایت الهی و پاسخگویی به احتیاجات مادی و معنوی، دینی، انقلابی و ملی کشور و آحاد آن و نفی آفت‌های پیشینی و غرب‌محورانه و استعماری این مراکز علمی تأکید خاص می‌ورزد.

بهره‌ی دوم؛ قرائت‌های ناصواب از موضوع «اسلامی کردن دانشگاه‌ها»  
 برخی از روی عمد و یا از روی ساده‌اندیشی، قرائت‌هایی از موضوع  
 «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» عرضه نموده‌اند که اساساً با واقعیت این امر متباین  
 است. بعضی از این برداشت‌ها اجمالاً بدین شرح است:

۱- دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که بطور جزمی و ایدئولوژیک در  
 خدمت نظام سیاسی اسلامی بوده و بازوی علمی و فرهنگی حکومت و یکی از  
 اصلی‌ترین ارکان قدرت آن باشد. چنین دانشگاهی در حقیقت، از خود فاقد  
 استقلال و اندیشه‌ی مختار است و مؤسس و مروج علم دریاری و حکومتی  
 است.

۲- دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که جوّ علمی در آن غالب باشد، چون  
 اسلام طرفدار علم و تحقیق است. اگر چنین دانشگاهی اسلامی است، پس عموم  
 دانشگاه‌های غربی هم اسلامی است.

۳- دانشگاه اسلامی معهدی علمی است که در آن ظواهر شرعی در بین  
 معلمین و متعلمین رعایت شده و کسی اعم از مرد و زن برخلاف مظاهر اسلامی  
 نباید تظاهر کند. در این بین فرقی میان دانشگاه با سایر نهادها و دوایر جامعه‌ی  
 اسلامی نیست.

بدین ترتیب این عدم تظاهر، اصلی‌ترین وجه تحقق دانشگاه اسلامی است.  
 این دسته، این ایده‌ی متعالی را به حد رعایت ظواهر اسلامی و پای‌بندی به  
 احکام فرعی دین در محیط دانشگاه تنزل داده‌اند.<sup>(۱)</sup>

۴- شرایط اصلی تحقق دانشگاه اسلامی، مدیریت اسلامی و متعهد به اسلام

۱- برای اطلاع بیشتر از بحثی در این باره رک به: محمدرضا مهدوی کنی، «دین محوری در  
 آموزش»، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، تهران، وزارت  
 فرهنگ و آموزش عالی، آذر ۱۳۷۸، ص ۸.

است و در این چارچوب غیرخودیها و دگراندیشان را جایی نیست. بنابراین دانشگاه اسلامی یعنی صرفاً اجرای قوانین و آئین‌نامه‌های دولت توسط معتقدین به نظام.

۵- شرط تحقق دانشگاه اسلامی، پاکسازی اساتید دگراندیش و اجرای دقیق و سخت ظوابط گزینشی نسبت به اساتید و آحاد دانشجویان و اختصاص دانشگاه به «افراد مکتبی» است.

۶- دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن فقط علوم حوزوی تدریس می‌شود و ایجاد آن ملازم با حذف سایر رشته‌های تخصصی طبیعی و انسانی است.

۷- منظور از دانشگاه اسلامی - با توجه به اینکه علوم را می‌توان به اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کرد - این است که نوع اسلامی علوم در دانشگاه‌ها تدریس شود.

۸- با توجه به تعارض علم و دین، صحبت از اسلامی کردن دانشگاه‌ها و دینی کردن علم، بیانی منسوخ و متعارض است.<sup>(۱)</sup>

نفی این قرائت‌های نادرست و وهم‌آمیز از موضوع دانشگاه اسلامی، یکی از بهترین راه‌های تمیز و تبیین واقعی ماهیت موضوع اسلامی کردن این مراکز است.

**بهره‌ی سوم؛ موانع و راهکارهای تحقق اسلامی کردن دانشگاه‌ها**

در راستای اسلامی کردن دانشگاه‌ها موانعی بسیار جدی وجود دارد. بدیهی است رفع آن‌ها در واقع راهکارهای مناسبی در جهت دستیابی به این هدف است که برخی از آن‌ها ذیلأ تشریح می‌شود:

---

۱- برای اطلاع از ردیه‌های فراوانی که بر توهم تعارض علم و دین نگاشته شده، به، ویژه‌نامه‌ی مجله‌ی «حوزه و دانشگاه»، پیرامون «علم دینی» - شماره‌ی شانزدهم و هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ - مراجعه نمایید.

۱- تبیین دقیق مفهوم «اسلامی کردن دانشگاه‌ها» به گونه‌ایی که زمینه‌ی

گسترش و ترویج قرائت‌های ناصواب پیش گفته در این زمینه برطرف شود.

۲- تبدیل دبیرستان‌های دانشگاه‌گونه فعلی کشور به دانشگاه‌های واقعی به

عنوان اولین گام در راستای اسلامی کردن دانشگاه‌ها.

به عنوان توضیح باید اضافه کرد که متأسفانه دانشگاه‌های فعلی ما از لحاظ

کیفی با الگوی استاندارد دانشگاه‌های معتبر دنیا فاصله‌ی فراوانی دارد که برخی دلایل آن به این شرح است:

- تعدد مراکز تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها؛

- غلبه‌ی کمیت بر کیفیت؛

- تدریس محوری بجای پژوهش محوری؛

- غالب بودن عرضه محوری تا تقاضا محوری در انجام پژوهش‌ها؛

- ضعف در ارائه‌ی علوم انسانی و عدم توجه کافی به این علوم در کشور؛

- فقدان تکریم لازم و رعایت شئون مادی و معنوی اساتید؛

- بیکاری وافر دانش‌آموختگان دانشگاهی؛

- عدم تناسب ایجاد رشته‌های تحصیلی با وضعیت بازار کار و نیازمندیهای کشور؛

- ضعف ارتباطات و تعاملات دانشگاه و صنعت؛

- کمی بودجه‌های تحصیلی به نهاد آموزش عالی کشور و فعالیت‌های علمی؛

- کمی منابع و مجلات علمی بین‌المللی؛

- مدرک محوری و مدرک‌گرایی؛

- غلبه‌ی آموزش و نبود پرورش در نظام آموزشی کشور؛

- فقدان ارتباط یا ارتباطات اندک علمی اساتید و دانشجویان با عرصه‌های

علمی فراکشوری و بین‌المللی.

بدیهی است رفع این معضلات، و استانداردسازی نظام آموزش عالی کشور، قدم ابتدایی در راستای اسلامی کردن این نهاد است و طبیعی است انجام این اصلاحات دارای اقتضای عقلانی و در نتیجه ملازمت با شرع دارد. (کلمه حکم به العقل حکم به الشرع).

۳- معرفی جامع و مانع اسلام به دانشگاه‌ها به عنوان دینی کامل و جهان

شمول.

بخشی از موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها مربوط به مسائل خارج از دانشگاه‌ها و بخش دیگر مربوط به مسائل درونی آنها است که متأسفانه نوعاً مسائل اخیر به عنوان موانع در این مسیر مورد عنایت قرار گرفته‌اند.

در مورد عوامل بیرونی ابتدا باید گفت که اسلام دین کامل و جهان شمول بوده و برای اداره‌ی جهان و به عنوان خاتم ادیان عرضه شده است و اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد. حال باید دید که چقدر حوزه‌های علمیه و اسلام‌شناسان توانسته‌اند به معرفی کامل اسلام و اثبات واقعیت کارآمدی آن در حل معضلات فعلی بپردازند و در عین حال چقدر چنین اسلامی به صورتی جامع و مانع به دانشگاه‌ها معرفی شده است؟

بدیهی است که دانشگاه‌ها تشنه‌ی معارف و حقایق اسلامی هستند. حقایقی که به فرموده‌ی قرآن کریم «لارطب و لایابس الافی کتاب مبین» توان پاسخگویی به کلیه‌ی مشکلات بشریت در همه‌ی اعصار را دارد و مسلّم است که با انفتاح بیشتر سرچشمه‌های زلال اسلام ناب محمدی (ص) و معرفی اصالت و واقعیت‌ها و کاربری‌های عینی آن؛ اسلامی شدن دانشگاه‌ها با سرعت بیشتری صورت خواهد گرفت. اما همانطور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند متأسفانه «هنوز توان عظیم فقه در گره‌گشایی معضلات زندگی و حل نقاط کور در مناسبات فرد و جامعه به کار گرفته نشده و بعضاً شناخته نشده است و پدیده‌های روز به روز

زندگی در مقام استفهام و استفتاء از فقه اسلامی، طبعاً باید به پاسخی قانع‌کننده و حکمی قابل قبول برسد.<sup>(۱)</sup> البته امام خمینی (ره) با نگرش‌ها و استنباط‌های جدید فقهی افق تازه‌ای در نحوه‌ی اجتهاد گشودند و با طرح مدخلیت مؤکد زمان و مکان در اجتهاد، توانستند به بسیاری از معضلات فقهی زمان خویش پاسخ دهند و بر قابلیت اداره‌ی جهان توسط اسلام مهر تأیید زنند، اما ایشان نیز بارها تأکید داشتند که «ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه‌ی زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله برسیم و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانیاگردم».<sup>(۲)</sup>

متأسفانه در راستای معرفی اسلام و پاسخگویی به شبهات و سؤال‌های دانشجویان، حوزویان بقدر کافی بذل عنایت و قبول زحمت ننموده‌اند و یکی از اساتید حوزوی که دارای مسؤولیت دانشگاهی است ضمن اعتراف به این نقیصه می‌گوید:

«موضوع دانشگاه پس از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی از نظر بزرگان خیلی کوچک دیده شد و برخورد با سرنوشت اسلامی و ایمانی دانشجوی خیلی ناچیز به حساب آمد و برخی بزرگان عزیز و اساتید گرانبهای حوزه، که شاید حاضرند روزی دو سه ساعت وقت خود را صرف ۴ تا ۵ شاگرد خود کنند، حاضر نشدند هفته‌ای دو ساعت وقت خویش را صرف سازندگی یک جمعیت صد نفره‌ی دانشجوی بنمایند و یا بالاتر، عزیزی که حاضر است شبی یک ساعت در مسجد محل پس از اقامه‌ی فریضه‌ی مغرب و عشاء وقت خود را صرف بیان

۱. آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، (پیام به کنگره دایرةالمعارف اسلامی)، کیهان، شماره‌ی ۱۴۹۸۳،

۷۲/۱۱/۱۴

۲. صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، ص ۴۱ (مورخ ۶۷/۷/۱۲)

و بحث اخلاقی و تربیتی برای مأمومین خود کند، حاضر نشد این حدیث اخلاقی و بیان گرم و سازنده‌ی خود را صرف دانشجوی جوان سرنوشت‌ساز این امت و جامعه‌ی اسلامی کند»<sup>(۱)</sup>

۴- تلاش افزون‌تر در جهت استفاده‌ی بیشتر از افراد باصلاحیت‌تر و اسلام‌شناسان آگاه‌تر در حوزه‌ی تدریس دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها.

متأسفانه و به ویژه در گذشته‌ای نه چندان دور، تدریس نه چندان موفق دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها و در پاره‌ای اوقات توسط افراد بعضاً غیرمجترب، لطمات زیادی وارد نموده است. البته در چند سال اخیر خوشبختانه سعی شده که اساتید دروس معارف اسلامی پس از تأیید و کسب صلاحیتهای لازم، به این امر خطیر گمارده شوند. گرچه به دلیل گستردگی کمی مراکز دانشگاهی دولتی و غیر دولتی هنوز شنیده و دیده می‌شود که افرادی فارغ و بدور از این آزمون‌ها، به تدریس این دروس اشتغال می‌ورزند.

۵- تدوین و تبویب متون معارف اسلامی به گونه‌ای متناسب و متوازن با رشته‌های مختلف تحصیلی و ضرورت امکان‌سنجی افزایش پاره‌ای واحدهای درسی متناسب با دیدگاه‌های اسلامی در هر رشته.

امروزه یک دست شدن متون معارف اسلامی برای اکثر رشته‌های تحصیلی دانشگاهی، تا حدود زیادی جذابیت این دروس را برای دانش‌پژوهان کم کرده است و متأسفانه با وجود تأکید پاره‌ای از صاحب‌نظران، هنوز اقدامی جدی و عملی در مورد ارائه‌ی دروس معارف اسلامی متناسب با رشته‌های مختلف تحصیلی و تدوین کتب معارف مختص آنها صورت نگرفته است. این در حالی

۱. سید احمد علم‌الهدی، «اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، دانشگاه اسلامی، شماره‌ی هفدهم، بهار

است که دیانت جهان شمول اسلام در هر زمینه‌ای اعم از پزشکی، معماری، مهندسی و... دارای نظر و راهبردهای عملی و تجویزی است که به شکل منفک و حتی بصورت واحدهای درسی قابل تدوین و ارائه، برای هر رشته‌ی تخصصی است.

۶- ضرورت تدوین متون درسی و کتب دانشگاهی با صبغه‌ی اسلامی و حاکی از آراء اسلام.

این یک واقعیت است که متون اصلی بسیاری از علوم، خصوصاً علوم انسانی؛ غربی است و مطالعات و پژوهش‌های غریبه‌ها قوام این دروس دانشگاهی را تشکیل می‌دهد. لذا با وجود تأسیس مرکزی مانند «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعات و تدوین کتابهای درسی» (سمت) و مساعی آنها، هنوز خلاء عظیمی در مورد تدوین کتب دانشگاهی با صبغه‌ی اسلامی وجود دارد و متأسفانه پاره‌ای از مدرسین بی‌اطلاع از اسلام و شاید مُغرض، این وهم را هم دامن می‌زنند که اسلام در این مورد ساکت است!

۷- حفظ و ارتقای کیفیت مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها

یکی از ابعاد اصلی اسلامی شدن دانشگاه‌ها، حفظ کیفیت و ارتقای آن در سطح آموزش عالی و در سطوح و ارکان شش‌گانه آن - استاد، دانشجو، فضای دانشگاه، امکانات علمی، متون علمی، و نظام آموزشی<sup>(۱)</sup> - است.

به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب «ما می‌خواهیم دانشگاه یک محیط اسلامی و با اهداف اسلامی باشد. اهداف مسلمانانه و مؤمنانه این‌گونه است که باید علم

۱. برای اطلاع از وضعیت و مقایسه‌ی نظام آموزشی حوزه و دانشگاه رک، به: رضیه موسوی فر، «قابلیت‌ها و کاستی‌های نظام آموزشی حوزه و دانشگاه»، دانشگاه اسلامی، شماره‌ی هفتم، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۱۹-۱۱۴.



در عالیترین کیفیتش باشد...<sup>(۱)</sup>». آنچه مسلم است در سالیان اخیر تا حدود زیادی کیفیت دانشگاه‌ها فدای کمیّت آن شده است و با تأسیس مراکز آموزش عالی در دستگاه‌های مختلف دولتی و به صورت خصوصی و غیرانتفاعی، علاوه بر کاهش سطح کیفی دانشگاه‌ها، وحدت رویه در قبال مسائل آموزش عالی، و هدایت و نظارت و کنترل آنها دچار خدشه شده است. همچنین تأسیس برخی از رشته‌ها و بالمآل تربیت دانشجو متناسب با نیازهای جامعه نبوده و مسلم است که وقوع چنین امری علاوه بر کاهش سطح کیفی دانشگاه‌ها، باعث یأس و سرخوردگی و ایجاد توقعات تنش برانگیز بسیاری از دانش آموختگان بیکار می‌گردد که مسلماً این قضیه تناسبی با دانشگاه اسلامی ندارد. بنابراین ضروری است در تأسیس دانشگاه‌های جدید به نیازهای واقعی جامعه عنایت بیشتری شود و ابعاد توسعه‌ی کمیّ این مراکز به نفع رشد و توسعه‌ی کیفی آنها متوقف شود. در ضمن، تأسیس دوره‌های تحصیلات تکمیلی، منحصرأ در اختیار وزارت آموزش عالی باشد تا دست کم سطوح کیفی تحصیلات این مقطع حفظ گردد.

۸- رفع ضعف‌های موجود در کادرسازی و تربیت اساتید مولّد و متعهد و نهادینه نمودن تشکیلات لازم جهت ارتباطات علمی و هم‌اندیشی مستمر این گونه اساتید و سامان بخشی به این تعاملات.

با وجود تأسیس مراکزی مانند دانشگاه تربیت مدرّس، که هدف اصلی آن تربیت اساتید متعهد است، متأسفانه هنوز ضعف‌های آشکاری در کادرسازی اساتید مؤمن و صاحب نظر و صاحب قلم وجود دارد و در پاره‌ای از موارد نیز با بهانه‌های مختلف، بهای لازم به چنین مدرّسینی داده نمی‌شود. از سوی دیگر، مشکلات معیشتی فراوان اساتید باعث شده است که اساتید با سابقه و قدیمی‌تر،

۱. اسلامی شدن دانشگاه‌ها تحول در ژرفای تفکر ایران، ۱۳۷۵/۷/۲۱، شماره‌ی ۴۹۴.

بیش از حد متعادل به تدریس پردازند که نتیجه‌ی طبیعی آن علاوه بر تضعیف کیفیت آموزش، این است که اساتید پویا و جوان و متعهد به راحتی نتوانند به کاربایی و تدریس و فعالیت علمی کافی پردازند؛ لذا ایجاد فضای مناسب برای جذب اعضای هیات علمی جدید و بالنده در دانشگاه‌ها، یکی از کارهای مؤثر در این زمینه است. ضمن آنکه باید تلاش وافر و صورت گیرد که اینگونه اساتید در جلسات و تعاملات و ارتباطات متعدد به هم اندیشی مستمر و سازمان یافته پردازند، متأسفانه به دلیل ضعف و عدم نهادینگی اینگونه نشست‌ها، هم‌اندیشی‌های مزبور نوعاً موقت، منقطع و فاقد حمایت‌های لازم بوده و غیرفراگیر است و معمولاً همین جلسات نامستمر هم به تهران یا یکی دو استان دیگر ختم و خلاصه می‌شود!

۹- اعمال سیاست شایسته سالاری و نخبه‌گزینی در نصب مدیریت دانشگاه‌ها و ترغیب افراد ذیصلاح در قبول مسئولیت این امر خطیر.

دانشگاه‌ها محل گردهم آبی نخبگان هر ملت است و بسیار بدیهی است که گزینش مدیران این بخش، که قوه‌ی عاقله‌ی هر کشور است، از حساسیت و دقت زیادی باید برخوردار باشد. مدیر یک مرکز آموزش در درجه‌ی اول باید واجد برجستگی‌های لازم علمی و سپس سایر ویژگی‌ها باشد. متأسفانه در مراکز آموزش عالی این دقت نظر در انتصاب مدیران علمی کشور به گونه‌ای شایسته و به ویژه در سالیان اخیر رعایت کامل نشده است و ترجیح علایق سیاسی و جناحی در این گزینش‌ها مؤثر بوده است و بدیهی است که اساتید و دانشجویان، چنین مدیرانی را برنتابند. اینگونه ضعف مدیریت‌ها - که معمولاً هم در تخصص و هم در تعهد به آرمان‌های عالی‌ه اسلامی و انقلابی دارای کاستی‌هایی هستند - مایه‌ی تضعیف ایده‌ی دانشگاه اسلامی و تحقق آن است. از سوی دیگر؛ اینکه افراد صاحب صلاحیت به آسانی مسئولیت امور دانشگاهی را برعهده

نمی‌گیرند نیز یکی از مشکلات اسلامی شدن دانشگاه‌ها است. لذا می‌بایستی به انحاء مختلف و با یادآوری مسؤلیت‌های خطیر این قشر، صاحبان تعهد و تخصص‌های لازم را به پذیرش این گونه مسؤلیت‌ها و ادا نمود.

۱۰ - حل مشکلات معیشتی اساتید و جامعه‌ی دانشگاهیان.

ایجاد اصلاحات لازم در وضعیت معیشتی اساتید و تجهیز امکاناتی دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی، حفظ هویت علمی، معنوی و منزلت شغلی آن‌ها و افزایش امکان اشتغال دانشجویان و مقابله با معضل روزافزون بیکاری دانش‌آموختگان، خواه ناخواه باعث افزایش نشاط و امیدواری محیط‌های دانشگاهی و دلدادگی بیشتر آن‌ها به کار خطیرشان می‌باشد؛ که نتیجه‌ی مستقیم این امر ارتقای سطح کیفی دانشگاه‌ها و جلوگیری از افت تحصیلی این مراکز و اهتمام بیشتر به ارزش‌های اسلامی است.

۱۱ - جلوگیری از اعمال سلیقه‌های مختلف تحت عنوان اسلامی کردن دانشگاه‌ها.

متأسفانه همواره این تصور حاکم بوده که اسلامی کردن دانشگاه‌ها تنها و در اصلی‌ترین وجه، متوجه رعایت ظواهر شرعی در پوشش و ارتباطات دانشجویان دختر و پسر است. این در حالی است که چنین تصور نازل و حداقل‌گرا در مورد اسلامی کردن دانشگاه‌ها نیز همواره دست و پا شکسته و بدون وجود وحدت رویه‌ی علمی با سلیقه‌های مختلف در دانشگاه‌ها اجرا شده و می‌شود. مثلاً در گذشته؛ نگارنده خود شاهد بوده است که در برخی دانشگاه‌های غیردولتی، چادر به صورت اجباری جهت پوشش توصیه می‌شد و یا محل عبور و مرور دانشجویان پسر و دختر جدا می‌گشت، در حالیکه در برخی دیگر از دانشگاه‌ها و رشته‌ها - مانند رشته‌های هنر و زبان خارجی - شاهد روابط تقریباً آزاد این اقشار بوده و هستیم. متأسفانه از بعد از دوم خرداد ۷۶ و با افزایش بحث و جدل‌های

سیاسی و به حراج گذاشتن برخی ارزش‌های اسلامی در جهت کسب حمایت دانشجویان توسط پاره‌ای از جناح‌های سیاسی، شاهد رشد کم رنگ شدن بیشتر این‌گونه ارزش‌ها و رونق نوعی اباحه‌گری در حفظ شرعیات توسط برخی دانشجویان، به ویژه در مسأله‌ی پوشش و روابط در جنس هستیم و نباید با ادامه‌ی این روند کار بدانجا کشد که رعایت «معروف»، به عنوان «منکر» و عملی خلاف تمدن و تجدد، و از باب «عوام‌گرایی و واپس‌گرایی» قلمداد شود.

البته استفاده از روش‌های خشن و غیرمنطقی در مقابله با این آفت نیز مانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها است و از آنجا که دیانت شریف اسلام مبتنی بر عقل و استدلال و اقتناع است؛ باید از روش‌های ملایم و منطقی و کاربردی تضارب آراء در راستای پیگیری اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت اسلامی کردن این مراکز سود جست و نباید ذه‌نیت دانشجویان را نسبت به روند این جریان فرهنگی منفی نمود.

۱۲- تحکیم و ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تضعیف ارزش‌های منحط غربی در محیط دانشگاه و مبارزه‌ای منطقی، مستدل، جدی و یک دست با منکرات و زمینه‌های پیدایش اخلاقیات نامشروع.

شایان ذکر است که یکی از مهمترین ارزش‌ها و سنت‌های حسنه‌ی الهی و محمدی (ص) در کشور ما، موضوع ازدواج است. این یک واقعیت است که وجود مشکلات فراوان در این امر، وقوع این سنت حمیده را در کشورمان دچار معضل ساخته و یکی از علل اساسی بروز بزه‌های اخلاقی در محیط‌های دانشگاهی، به دلیل مشکل یاد شده بوده و شایسته است هر چه زودتر تصمیمات عاجل تری - همانند ترویج ازدواج‌های دانشجویی - در رفع این بحران

اخذ گردد.<sup>(۱)</sup> به همین ترتیب ضروری است حدود روابط عقلانی و شرعی دانشجویان پسر و دختر در محیط‌های علمی، با صراحت و شفافیت و در عین حال با پرهیز از هرگونه تحجر تبیین گردد و احکام مزبور بدون مجامله و تعارف در دسترس دانشجویان قرار گیرد و این باور در آن‌ها تقویت شود که عمل به شرع در کلیه‌ی زمینه‌ها و حالات؛ مایه‌ی نجات، فلاح و رستگاری دنیا و آخرت آن‌ها خواهد بود.

۱۳- راه‌اندازی جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» و نظریه‌پردازی در کلیه‌ی علوم و معارف دانشگاهی و عنایت به نهادینه نمودن خلاقیت علمی و تفکر بالنده‌ی دینی و مناظرات آزادانه‌ی علمی.

۱۴- تقویت شأن و ارتقای مرتبه‌ی نازل فعلی علوم انسانی و تلاش در جهت تلفیق این علوم با سایر علوم و راه‌اندازی علوم بین رشته‌ای در این مسیر.

### بهره‌ی چهارم؛ استنتاج

در این نوشتار با اشاره به جایگاه علم و دانش‌پژوهی در فرهنگ و تمدن اسلامی و نقش مهم ایرانیان در این زمینه، تبیین گردید که انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی با محوریت و اساس فرهنگی، تلاش نمود با تزهایی مانند اسلامی کردن دانشگاه‌ها به بازسازی این نهاد آفت‌زده - در رژیم قبلی - پرداخته و حیات طیبه و جهت و عمل اسلامی را بدان بازگرداند. مقاله با تشریح و بازشماری قرائت‌های ناصواب از موضوع اسلامی کردن دانشگاه‌ها - ضمن رد آن‌ها -، قرائت صحیح این واژه را به خصوص از منظر امام خمینی (ره) مطرح و

---

۱. یکی از موضوعاتی که بحران ازدواج را در کشور دامن زده و توسط سازمان ملی جوانان نیز رسماً اعلام شده است؛ غلبه‌ی یک میلیون و سیصد هزار نفری جمعیت دختران کشور نسبت به پسران است که از عوامل آن می‌توان به تأثیر جنگ تحمیلی و مهاجرت اشتغال جویانه‌ی پسران به خارج از کشور اشاره کرد.

راهکارهای متعددی را جهت تحقق این آرمان با لحاظ شش رکن اصلی دانشگاه یعنی؛ استاد، دانشجو، نظام آموزشی، امکانات علمی، متون علمی، و فضای دانشگاه بیان نمود. به نظر می‌رسد که در بین این راهکارها و رهیافت‌های چهارده گانه، دوراهکار آخر، از اهمیت و الزام بسیار افزونتری در عصر فعلی - که دانش و نظریه ملاک اصلی قدرت است - برخوردار است.

- ارتقای علوم انسانی و نظام‌پردازی جنبش تولید نرم‌افزار علمی و دینی

جامعه‌ی اسلامی، دانشگاهی و حوزوی، امروزه به رغم گذشت یک ربع قرن از انقلاب اسلامی از وضعیت مطلوبی در زمینه‌ی تولید علم و حل مشکلات جامعه در پرتو آن برخوردار نیست و کشور در مقابل سیل ترجمه و هجوم رسانه‌ای و نظریه‌ای غرب در کلیه‌ی زمینه‌ها قرار دارد. در راستای نظام‌سازی و جامعه‌پردازی اسلامی، «تنها راه پیش پای ما، ارتقای کمیّت و کیفیت در تولید فکر و علم در حوزه و دانشگاه است و تا وقتی که «تولید» بر ترجمه و تکرار و نیز «اجتهاد» بر تقلید فزونی نیابد، سیر جوامع اسلامی همچنان قهقرایی خواهد ماند و امت اسلام و ملت ایران علیرغم همه‌ی فداکارها در صحنه‌ی تمدن، فرودست خواهد بود»<sup>(۱)</sup> لذا ما نیازمند نهادینه و قانونمند شدن «مناظرات و نظریه‌پردازی، حمایت، هدایت و جمع‌بندی آن‌ها هستیم تا با ارائه‌ی آزادانه و منطقی ایده‌ها و ایجاد کرسی‌های آزاد علمی، محافل و حلقه‌های گفتگوهای تخصصی در محضر وجدان عمومی حوزه و دانشگاه، شاهد «طرح منطقی ایده‌ها»؛ رواج بازار «نظریه‌پردازی و نوآوری روشمند» و نیز مناظره‌های علمی و قانونمند و نتیجه‌بخش و فارغ از غوغاسالاری و «نهادسازی برای اجابت پرسش‌های جدید»

۱. بخشی از نامه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه‌ی علمی به رهبر انقلاب

اسلامی، دانشگاه اسلامی، شماره‌ی هفتم، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۰.

و در نتیجه «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در حوزه و دانشگاه بیش از قبل باشیم. (۱) بسیاری از صاحب‌نظران مسائل آموزش عالی معتقدند که یکی از اصلی‌ترین راهکارهای دستیابی به اهداف پیش‌گفته، توجه افزون‌تر به علوم انسانی است. حتی شخصیت علمی‌ای مانند معاون پژوهشی وزارت علوم، صریحاً اعلام می‌نماید که «توسعه‌ی کشور بستگی تام به توسعه‌ی علوم انسانی دارد» (۲) و خروج از انزوای علمی کشور ما در عصر جهانی شدن، بستگی اساسی به توجه به علوم انسانی دارد. (۳)

متأسفانه در حال حاضر، کاهش شدید تحقیقات بین‌المللی در زمینه‌ی علوم انسانی، رشد شدید دانشجویان، مقاطع تحصیلی، قَلت واحدهای پژوهشی، و مجله‌های پژوهشی در سطح ملی، پدیده‌هایی است که حکایت از بحران در زمینه‌ی علوم انسانی دارد. (۴) آمار بین‌المللی ما نشان می‌دهد که در دوران انقلاب (از ابتدا تا سال ۶۸) ما در مسایل علمی به شدت نزول کردیم. بعد از اتمام جنگ، رشد ما شروع شد و تقریباً ۲۰٪ در سال رشد علمی داشته‌ایم. این نشان می‌دهد که ما، در زمینه‌ی علوم پایه، رشد خیلی خوبی داشتیم و این میانگین ده‌ساله، در واقع بالای میانگین بین‌المللی است. ما در پزشکی عقب‌تر هستیم، ولی در مهندسی رشد نسبتاً خوبی داشتیم. در کشاورزی هم نسبتاً برابر

رتال جامع علوم انسانی

۱. ر.ک، به؛ همان، ص ۱۳. (با تلخیص و تصرف).
۲. گفتگو با دکتر رضا منصوری، خبرنگار تحقیقات و فناوری، شماره‌ی ۱۶، تابستان ۱۳۸۲، ص ۸.
۳. رضا منصوری، «علوم انسانی و جهانی شدن»، اندیشه صادق، شماره‌ی ۸ و ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۲۰.
۴. بخشی از بیانی‌ی اندیشگان علوم انسانی (بیانیه لنیان)، خبرنگار تحقیقات و فناوری، شماره‌ی ۱۶، تابستان ۱۳۸۲، ص ۷.

میانگین بین‌المللی رشد کردیم. به لحاظ درصد، در علوم انسانی عقب هستیم (۱). متأسفانه این تأخر در انعکاس بین‌المللی علوم دینی بارزتر است. به گفته‌ی معاون پژوهشی وزارت علوم:

«ما در علوم دینی، از علوم بین‌المللی عقب هستیم و آثار ما تا سال ۲۰۰۱ میلادی، واقعاً از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. برای یک انقلاب و در کشوری که ادعای انقلاب فرهنگی می‌کند خیلی وحشتناک است... وقتی که آقای هابرماس به ایران می‌آید طرف صحبت ندارد. کسی نیست که کتابهایش را دقیق خوانده باشد و بتواند با او وارد بحث شود یا لااقل سؤال معقولی از او بکند.» (۲)

آمارها همه حاکی از آن است که عمده تحقیقات علمی بین‌المللی ایران در دو تک رشته شیمی و فیزیک است، به گونه‌ای که هم اکنون به جز چند دانشگاه اصلی، بقیه‌ی مراکز آموزش عالی، پژوهش‌های خود را عمدتاً در رشته‌ی شیمی متمرکز کرده‌اند که تقریباً حدود ۳۵ درصد تولیدات علمی سالانه کشور را تشکیل می‌دهد؛ در نتیجه بسیاری از این مراکز جامعیت لازم و در خور نام دانشگاه را ندارند. (۳) بدین ترتیب در حوزه‌ی علوم غیرانسانی نیز شاهد عدم تعادل و چنین نامعادله‌ای در پرداختن به رشته‌های مختلف هستیم.

در علوم انسانی سهم ایران در تولید جهانی علم در بیست سال گذشته واقعاً اندک بوده است و دوره‌ی سال‌های مابین ۲۰۰۱ - ۱۹۸۱ «بر اساس داده پایه

۱. رضا منصوری، «علوم انسانی و جهانی شدن»، پیشین، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۲.

۳. ر.ک، به؛ گزارش دکتر شاپور اعتماد. معاون پژوهشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور درباره‌ی وضعیت علمی کشور، خبرنامه تحقیقات و فناوری، شماره‌ی ۱۶، تابستان ۱۳۸۲،



شاخص ملی علم (National Science indicator) از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ ایرانیان ۱۸۵ مقاله در رشته‌های علوم انسانی، هنر و علوم اجتماعی در مجلات ISI<sup>(۱)</sup> به چاپ رسانده‌اند. از این تعداد، بیشترین مقاله مربوط به رشته روان‌شناسی (۵۵ مقاله) بوده است و کمترین مقاله‌ها مربوط به رشته‌های باستان‌شناسی، مذهب و الهیات و کار اجتماعی (هر کدام ۲ مقاله) بوده است. در رشته‌های هنر نمایشی، حقوق، ارتباطات و مطالعات کلاسیک؛ ایرانیان هیچ مقاله‌ای منتشر نکرده‌اند. کل مقاله‌های ایران در طی این سال‌ها ۸۲۵۳ عدد بوده است و از این میان مقاله‌های علوم انسانی تنها ۲/۲۴ درصد انتشارات علمی ایران در خارج را تشکیل داده‌اند. در حالیکه در سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ این میزان ۱۸/۲۷ درصد بوده است.

۱۸۵ مقاله‌ی ایرانی در دوره‌ی ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ توانسته‌اند ۸۷ استناد را به خود اختصاص دهند از سوی دیگر در رشته‌های باستان‌شناسی، مذهب، الهیات و کار اجتماعی به مقاله‌های محدود ایرانیان در این دوره ۲۱ ساله استنادی صورت نگرفته است. حال آنکه در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ ایران از نظر تعداد مقاله‌ها نسبت به کشورهای عربستان سعودی، کره جنوبی، چین، ترکیه، مصر و تایوان در رتبه بالاتری قرار داشته است، ولی در سال‌های اخیر تمام این کشورها از ایران سبقت گرفته‌اند و فاصله‌ی این کشورها و ایران به نظر دست نیافتنی می‌نماید.<sup>(۲)</sup>

خوشبختانه برای رفع بحران علوم انسانی تلاش‌هایی - هر چند ناکافی - صورت گرفته است که از جمله آن‌ها برگزاری نشست ویژه‌ی اندیشمندان علوم انسانی توسط وزارت علوم در فروردین ماه سال ۸۲ است که منجر به صدور

۱. موسسه‌ی اطلاعات علمی (Institute for scientific information).

۲. «۲۰ سال و تنها ۱۸۵ مقاله»، نشریه خبری تحقیقات و فناوری، شماره‌ی ۱۶، تابستان

بیانیه‌ی لتیان و استخراج اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای پژوهش‌های علوم انسانی گردید. ضمن آنکه بنابر آمارهای مؤسسه‌ی ISI بعد از انقلاب، رتبه‌ی تحقیقات بین‌المللی علوم انسانی کشور ما مرتبه‌ی ۱۱۰ بوده است و خوشبختانه از بعد از جنگ تحمیلی با رشد این پژوهش‌ها، رتبه‌ی فعلی کشورمان به ۵۷ رسیده است.<sup>(۱)</sup> این در حالی است که رتبه‌ی ایران در علم فیزیک در میان ۲۵ کشور برتر این علم، ۱۵ می‌باشد. در حقیقت بیان ریز و دقیق این آمارها به دلیل نشان دادن جایگاه عالی علوم انسانی در توسعه علمی کشور و به طور اخص تحقق دانشگاه اسلامی است و بدیهی است با وجود بحرانی بودن این علوم در کشور و فقدان انعکاس و بازتاب تلاش‌های علمی این رشته‌ها در فضای خارج از کشور، نه می‌توان از حالت مصرف‌زدگی و ترجمه خورای آثار فکری غریبها درامان بود و نه می‌توان به انعکاس واقعیت‌های نظری و عینی انقلاب اسلامی و تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی در عرصه‌ی بین‌المللی پرداخت و یقیناً یکی از اصلی‌ترین راه‌های تحقق آرمان دانشگاه عزتمند اسلامی، تقویت و توسعه‌ی علوم انسانی و رفع انزوا و مهجوریت آن، و تبدیل اینگونه دانش‌ها به علوم مولد و پاسخگو به نیازهای دینی و اجتماعی در عرصه‌های داخلی و خارجی است و امیدواریم این تلاش افزون شود.

۱. ر.ک، به؛ رضا منصوری، «علوم انسانی و جهانی شدن»، پیشین، ص ۲۳.